

# جویبارهای جاویدان

غلامرضا گلی زواره

گذری بر ارتباط هنر معماری با معنویت قرآن در احداث  
مساجد عهد سلجوقی. با تأکید بر مشخصات مسجد جامع  
زواره (نخستین مسجد چهار ایوانی ایران)

## ● ادوار درخشان

سلسله آل بویه اولین خاندانی بودند که توانستند بر خلفای عباسی استیلا یابند. این طایفه، که شیعه مذهب بودند در ترویج آب با جدیت وافر و سعی بلیغ کوشیدند و پاره‌ای از سنت‌های پسندیده را که در احیای فرهنگ اهل بیت دخالت داشت متداول نمودند. شیعیان در این عصر تشکلی یافته و علویان و سادات به آرامش نسبی دست یافتند.

با وجود آنکه افراد این دولت شیعی به سیطره‌ترکان پایان دادند، اما با سقوط آنان سلاطین ترک روی کار آمدند. غزنویان از نیمه دوم قرن چهارم تا اواخر قرن پنجم حکومت کردند و اینان غلامانی ترک محسوب می‌شدند که رفته رفته اقتداری کسب کرده و به قدرت رسیدند.

سلجوقیان که نسبشان به سلجوق بن دقاق می‌رسد طایفه‌ای از ترکمانان غز و خزر بودند که از سال ۴۲۹ ه. ق تا ۵۹۰ ه. ق بر ایران و پاره‌ای از نقاط مجاور، فرمانروایی داشتند.<sup>(۱)</sup>

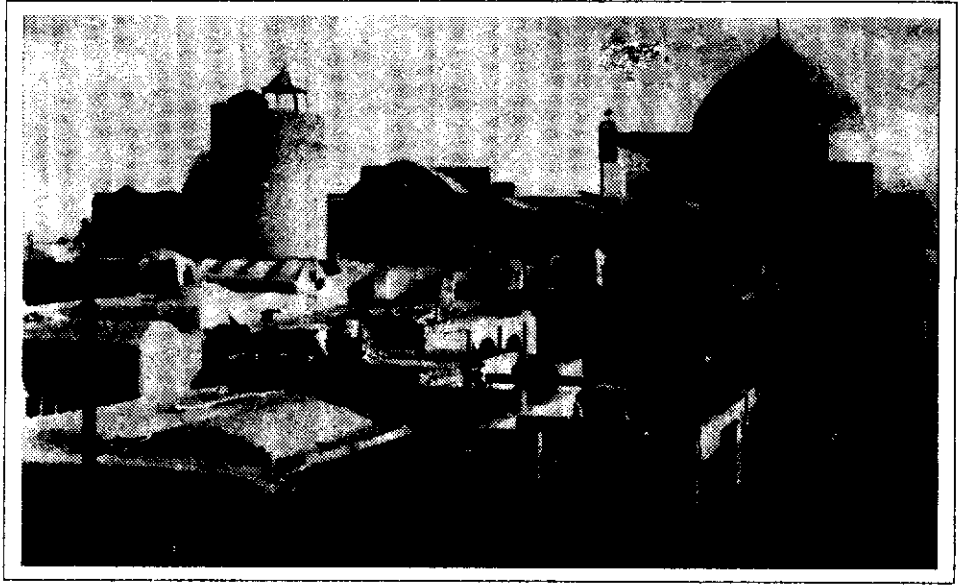
غلبه سلجوقیان هیجان ضد شیعی را به نحو بارزی قدرت بخشید و زمینه‌های آزار و اذیت آنان را فراهم ساخت.<sup>(۲)</sup> در منابع تاریخی آمده که تعدادی از مناقیبیان را که در کوی و برزن در مدح اهل بیت (ع) اشعاری می‌خواندند سر بریدند، همچنین تسنن انعطاف ناپذیر سلجوقیان که متکی به مراکز سنی نیرومند شرق ایران بود و بهترین نماینده مذهب سنت را در خواجه نظام الملک طوسی وزیر ملک‌شاه سلجوقی یافته بود، به خلافت محتضر بغداد حیات دوباره‌ای بخشید.

جدا از اسماعیلیه، نیرومندترین تشکیلات شیعه در این عصر، شیعه امامیه یا اثنی عشری بود و در واقع سلجوقیان

۱- محمدجواد مشکور، تاریخ ایران زمین، ص ۱۸۷.

۲- دکتر عبدالحسین زرین کوب، تاریخ مردم ایران، ج ۲، ص ۴۸۷.

در نیمه اول این قرن شیعیان تفسیری به فارسی ارائه دادند که تصنیف جمال‌الدین رازی است و شیخ طبرسی (متوفی ۵۴۸ ه.ق) دیگر دانشور شیعی، سه تفسیر نگاشته که معتبرترین آنها موسوم به مجمع‌البیان می‌باشد، این تفسیر که به زبان عربی بود در قرن سیزدهم به فارسی ترجمه شد.



آثار کلامی شیعه در این عصر رونق و شکوفایی داشت و با عنایت به آیات قرآن و منابع روایی کتبی در اثبات عقاید و باورهای این مذهب تألیف شد که برخی از آنها را می‌توان پیشگامان کتب امروزی در مباحث اعتقادی دانست.

برخلاف سخت‌گیریهای خشن، سادات از احترام ویژه‌ای برخوردار بودند. علمای شیعه برای حفظ هویت جوامع شیعی و تشکلهای امامیه ملاحظات کافی را به کار می‌بردند و نمی‌خواستند با اکثریتی که قدرت را در اختیار داشتند درگیر شوند. آنان در سنگر فرهنگ و پژوهش تلاشهایی با اهمیت از خود بروز دادند که به نمونه‌هایی از آنها اشاره شد.

از نظر توسعه هنرها - خصوصاً معماری - عهد سلجوقیان یکی از دوره‌های درخشان هنری است. معماری عهد سلجوقیان از استحکام و زیبایی خاصی برخوردار است و گرچه حدود یک هزار سال از آن زمان می‌گذرد، ولی بناهای باقی‌مانده از آن دوران بیانگر مهارت و استادی هنرمندان و آگاهی آنان از شیوه‌های گوناگون معماری است. شکوفایی هنرها طی این عصر مدیون آرامش و ثبات سیاسی قلمرو سلجوقیان است که طی آن هنرمندان موفق شدند آثار متعددی به وجود آورند.<sup>(۱)</sup>

نکته درخور توجه و قابل تعمق اینکه هنرهای این دوره و

موقعی که عناصر شیعی در نقاط شمالی، مرکزی و جنوبی ایران نسبتاً نیرومند بودند، قدرت خود را در ایران استقرار بخشیدند.

به رغم سیاست ضد شیعی این سلسله، در دوره مذکور مراکز شیعه نظیر مناطق دیگر رونق و شکوفایی داشت. شیعیان در بسیاری از نقاط ایران مسجد، مدرسه و کتابخانه داشتند و حتی در حیات سیاسی دربار رخنه نمودند. به عنوان نمونه هبة بن محمد علی (ابن مطلب) وزیر المستظهر خلیفه عباسی بود، سعدالملک آوجی و وزارت سلطان محمد بن ملکشاه و شرف‌الدین انوشیروان بن خالد کاشانی وزارت المسترشد خلیفه عباسی و سلطان محمود بن ملکشاه را عهده‌دار بود. البته خواجه نظام‌الملک تمایلات ضد شیعی نیرومندی داشت و این حالات را در کتاب سیاست‌نامه خود بروز داد و در واقع خشم و رنجش شیعه احتمالاً موجبات برکناری او را پدید آورد.

فرهنگ شیعه در این دوره آن چنان رشدی یافت که در آغاز این عصر، تفسیر معتبر ابو جعفر طوسی (متوفی به سال ۴۶۰ ه.ق) از بزرگترین علمای شیعه تألیف گردید که در تفسیر آیات قرآن از احادیث معتبر و روایات منقول از اهل بیت (علیهم السلام) ملهم بود مختصر این اثر به ابن ادریس حلی (متوفی ۵۷۸ ه.ق) تعلق دارد.

۱ - محمدیوسف کیانی، تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، ص ۵۴.

خصوصاً معماری از فرهنگ قرآنی کاملاً تأثیر پذیرفته و در شهرهایی که شیعه نشین بوده و یا در آنها افراد شیعی اقتداری داشته‌اند قرآن و عترت همچون چشمه‌های جوشان و با صفایی به هنر معماران و دیگر صاحبان ذوق حیات معنوی و نشاط روحانی داده است.

### ● الهام از قرآن

هنر معماری عصر سلجوقی در احداث و بنیان نهادن مساجدی با سبکهای جالب و مهارتهای درخور تحسین تجلی افزوتتر و حضور بارزتری دارد.

جلوه‌هایی که در این اماکن تصویر یافته‌اند در اصل از توحید یعنی تسلیم در برابر یگانگی خداوند و شهود آن حاصل شده است و جوهر توحید در ورای کلمات قرار دارد و خود را در قرآن به واسطهٔ بارقه‌های معنوی متجلی می‌سازد.

هنرمند مسلمان با این احساس که مسجد خانهٔ خداست و بنایی است که انسان باید حضور حق را در آن احساس کند و از نزول رحمت الهی بهره جوید کوشیده است تا قداست قرآنی را در این بنا به نمایش بگذارد تا برای بندگان خدا آیینۀ طراوت و آرامش باشد و با پدیده‌هایی که آیات الهی به شمار می‌روند آن چنان در ارتباط باشد که صنع خداوندی را در آن ناظر باشند و انسان با مشاهدهٔ عناصر و فضاهاى آن به خالق خویش متذکر گردد.

فضای معماری مسجد هرگز منفک از مجموعه شهری که این بنا در آن احداث شده نمی‌باشد و حالت انتزاعی ندارد، در واقع مکان مقدسی است که فضاهاى اطراف را گرد خود متمرکز می‌نماید و قطب معنوی و کانون روحانی محلات شده است. و حتی بر کیفیت معماری اماکن مسکونی و بناهای دیگر اثر می‌گذارد.

حضور فرهنگ قرآنی در این مساجد یا به صورت مساجد نسبتاً ساده‌ای جلوه‌گر می‌شود که یادآور آیهٔ «انتم الفقرا الى الله وهو الغنى الحميد»<sup>(۱)</sup> است و یا آنکه در قالب طاق‌نماها، گنبدها، ایوانها و آجرکاری و گچ‌بری ماهرانه

استوار شده‌اند که گویی همهٔ این عناصر به رغم تنوع و کثرتی که دارند آیهٔ «انا لله وانا اليه راجعون»<sup>(۲)</sup> را در اذهان زمزمه می‌کنند. همانگونه که نور مسجد، انسان مؤمن را به آیهٔ نور در قرآن متذکر می‌شود.

در این بناها ما کمتر شاهد رنگ آمیزی و ترکیب الوان هستیم و فضاهاى مسجد با توجه به نوری که دریافت می‌کنند صبغه خاصی به خود می‌گیرند و تلاقی و ترکیب نورها که از روزنه‌ها و پنجره‌ها به اندرون ایوانها و صفاها می‌تابند می‌خواهند به انسان اهل بصیرت ثابت کنند جلوهٔ الهی بهتر از همه است: صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً.<sup>(۳)</sup>

بدین گونه معماری مساجد در اهدافی که در پی آن هستند و در واقعیتی معنوی که ابداع می‌کنند از باطن قرآن الهام می‌گیرند. حتی سیمای ظاهری این بناها به گونه‌ای شکل گرفته تا از طریق راز و رمز و تمثیل با هیبتی خاص اسما و صفات خداوند را که قرآن مطرح نموده جلوه‌گر نمایند. مناره‌ها ابهت و جلال، و گنبد و ایوانها جمال الهی را یادآور می‌شوند. کتیبه نویسان به امداد معماران آمده و پرتوهای روحانی را با نوشتن آیات قرآن بر نقاطی خاص از مسجد به نمایش می‌گذارند و گویی معماری و خوش‌نویسی چون جویبارهایی از قله‌های قرآن منشأ گرفته جاری شده‌اند و طراوت و صفای ملکوتی مسجد را پدیدار گشته‌اند.

جهان، جلوه و مشکوة انوار الهی و نشانه‌ای از خداوند است و هنرمند مسلمان به عنوان شخصی عابد و هنرمند در صدد آن است تا جلوه‌های قدسی و حسن و جمال الهی را آن چنان در مسجد مجسم نماید که ناظر این مجموعه که نمازگزاری معتقد است با دیدن آنها به سوی توحید سیر کند و از ظواهر دنیایی گذشته، عالم غیب را با چشم باطن درک کند. در حقیقت او می‌خواهد با تلاش هنری و بروز ذوق و استعداد خویش اثبات کند این جهان رجوع به آن حس و

۱- سورة فاطر، آیه ۱۵.

۲- سورة بقره، آیه ۱۵۶.

۳- سورة بقره، آیه ۱۳۸.

جمال معنوی دارد و دنیای فانی جدای از آن اعتباری ندارد.

هستی عالم نمودی بیش نیست

سیر او جز در درون خویش نیست

و چنین کوششی ناظر بر این سخن حضرت علی (ع) است که «ما رأیت شیئاً ورأیت الله قبله وبعده ومعنه».

نکته دیگری که در معماری مساجد و اماکن مذهبی مشابه آن قابل تعمق می باشد این است که جلوه های هنری آن نوعی آموزش پنهانی و خاموش است که به شیوه ای حقیقی بر آموزش نظری عقاید دینی و باورهای مؤمنین صحه می گذارد. به قول تیتوس بورکهارت:

این زیبایی بدون عبور از صافی تفکر استدلالی بی واسطه در روح نفوذ می کند و برای بسیاری از مؤمنین در مقایسه با آموزش نظری محض حاوی برهان مستقیم تری است.<sup>(۱)</sup>

هنرمند مسلمان می داند هر کاری که به رونق و اعتلای مسجد بیفزاید و ابهت معنوی آن را غنی کند، در اسلام ارزشی بزرگ محسوب شده و افتخاری است برای وی که این سخن امام صادق (ع) را تحقق بخشیده است:

انما امرنا بتعظیم المساجد لأنها بیوت الله فی الارض.<sup>(۲)</sup>

یعنی بدان سبب ما به بزرگداشت مساجد مأموریم که آنها خانه های خداوند بر روی زمین هستند.

البته شکوه و جلالت روحانی و عظمت معنوی مسجد به تزئینات و بکار بردن اشیاء ظریف و گران قیمت در آن نمی باشد. اگر مسجد مرکزی برای عبادت، مکانی برای فراگیری حکمت و معرفت و کانونی جهت احیای سنتهای مذهبی باشد آن موقع معمور است. اما بکار بردن ابداعات و سلیقه های هنری توسط مسلمانان با ذوق نیز خود می تواند تقدس را یادآور شود و تبلیغ دین به شمار آید و قدرت الهی را به نمایش گذارد و خود این تلاش گرچه شکوه ظاهری است ولی هیبت روحانی مسجد را در برخواهد داشت و منظور از نهی در تزئین و آرایش مسجد، زراندود نمودن و جلوه های کاخ گونه به آن دادن است و اینکه نباید آن را به صورت موزه تزئینی و نمایش نقاشی درآوریم که این حرکت

با منویات قرآنی در تباین است.

معمار مسلمان و معتقد، هر زیبایی را که در اطراف خویش می دید آن را درخور جلال الهی دانسته، می کوشد تا به هنگام ساخت این بنا جایی برای آن باز کند. به همین دلیل در مساجد این دوره و حتی دوره های بعد هنرهای گوناگون درهم آمیخته و معمار بناها در توازن آنها نهایت تلاش را بکار برده است. به گفته استاد محمدرضا حکیمی:

مظاهر گوناگون فرهنگ و هنر اسلامی در طی قرنهای دراز چنان در بنای مساجد، مجال ظهور یافته است که امروز یک مورخ دقیق روشن بین می تواند تنها از مطالعه مساجد تصویر روشنی از تمدن و تاریخ اقوام مسلمان عالم را پیش چشم خویش مجسم کند...<sup>(۳)</sup>

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و این ترجمه سخن حضرت علی (ع) است که می فرماید: ان الله جمیل یحب الجمال.<sup>(۴)</sup> و نیز امام صادق (ع) فرموده اند: خداوند وقتی به بنده ای نعمتی تفویض می نماید دوست دارد که آن را در وجود وی ملاحظه کند (بیند).<sup>(۵)</sup> پس هنرمند اگر ذوق خود را در زیبا نمودن مسجد بکار برد و در جهت آرایش آن تلاش کند، هم سخن امام اول شیعیان را تحقق بخشیده و هم با بروز دادن استعدادی که خدا به او داده فرمایش امام صادق (ع) را عملی نموده است. او کوشیده است تا فضای مسجد را به گونه ای شکل دهد که برای نمازگزاران و اهل عبادت نشستن در آن خسته کننده و توأم با مرارت نباشد و تنوع بنا برایشان دیدنی و چشم نواز باشد.

یکی از جلوه های هنری در مسجد، طرح اسلیمی است که از نظر مسلمان وسیله ای است برای انحلال تصاویر یا آنچه

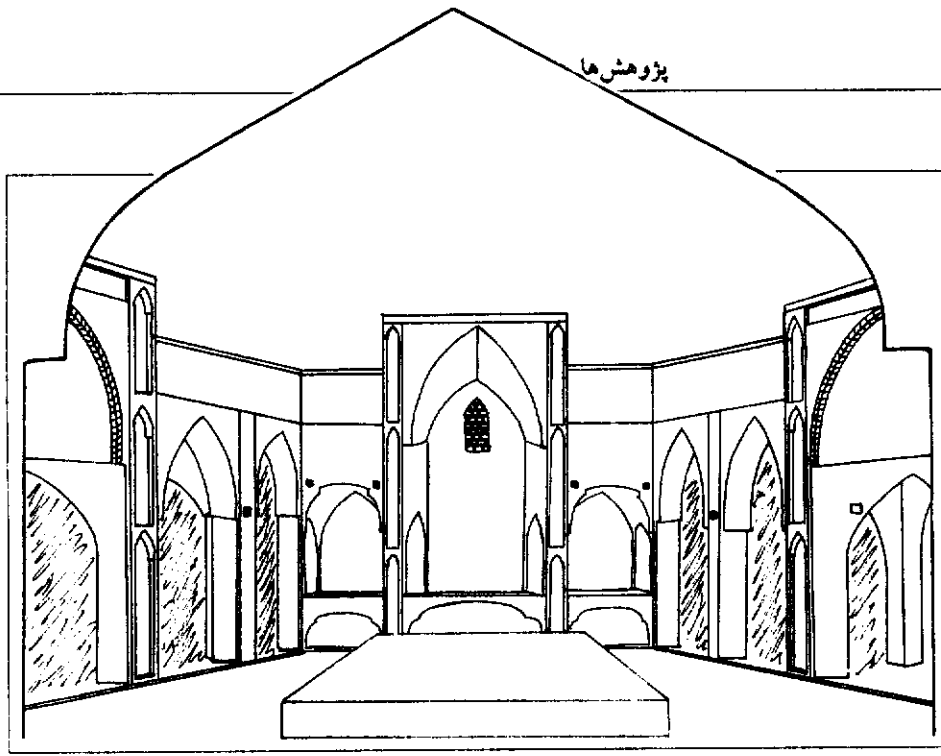
۱- نقش هنرهای زیبا در نظام آموزش اسلام (مقاله ای از تیتوس بورکهارت) مندرج در کتاب جاودانگی و هنر، ترجمه سید محمد آوینی، ص ۳۲.

۲- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۵۷.

۳- محمدرضا حکیمی، دانش مسلمین، ص ۲۵.

۴- وسائل الشیعه، همان جلد، ص ۳۴۰.

۵- همان.



در نظام ذهنیات با تصویر مطابقت دارد، به قول بسورکهاآت: «در اسلیمی هرگونه استذکار صورت فردی به علت تداوم بافتی نامحدود منحل و مضمحل می‌شود.»<sup>(۱)</sup>

در قلمرو معماری مسجد باید این واقعیت را در نظر داشت که خانه سنتی مردم به نحوی با معنویت مسجد در ارتباطند؛ به این معنا که سادگی و طهارت این

مسجد جامع زواره بنای مقدسی است که در این مجموعه با ویژگیهای هنری خود و شکوه معنوی، هویت ارزنده‌ای را به نمایش می‌گذارد. این مکان در عصر سلجوقیان و در زمان معزالدین ابوالحارث سلطان سنجر سلجوقی (جلوس ۵۱۱ هـ. ق فوت ۵۵۲ هـ. ق) و توسط علی بن احمد رئیس زواره که نامش بر کتیبه کوفی آجر تراش صحن مسجد ثبت است، بنیان نهاده شد.

یاقوت حموی در اثر معروف خود بعد از معرفی زواره از ابونصر احمد بن علی ازواری به‌عنوان عالمی جلیل‌القدر نام می‌برد و اضافه می‌کند که این شخص مدت زمانی امور شهری زواره را عهده‌دار بوده است. و نیز قید کرده که تاریخ وفاتش ۵۳۱ هـ. ق است.<sup>(۲)</sup> این فرد همان بانی مسجد جامع زواره است که با وجود شیعه بودن و ارتباط با سادات زواره از سوی سلجوقیان اقتداری داشته و زواره را اداره می‌نموده است. آندره گدار فرانسوی که به سال ۱۹۳۲ میلادی مطابق خرداد ۱۳۱۶ هـ. ش به زواره مسافرت نمود و تحقیقاتی روی مسجد جامع و مسجد بسکویه زواره انجام داد از روی کتیبه‌های

مکان را استمرار می‌بخشد. کسی اجازه ندارد با کفش بر فرش منزل پا بگذارد و نیز در اتاقهایی که نماز خوانده می‌شود خبری از تزئینات دنیایی و تشکیلات تجملی نمی‌باشد.

### ● نخستین مسجد چهار ایوان ایران

در شهر زواره واقع در ۱۳۲ کیلومتری شمال اصفهان و ۱۲ کیلومتری شمال اردستان مجموعه‌ای از بناهای مذهبی شامل مسجد، حسینیه و امامزاده قابل مشاهده است که به صورت با شکوه در سیمای عمومی این دیار اثر گذاشته‌اند و با وجود گسترش اماکن جدید و احداث خیابانها و میدانها و نیز گذشت چندین قرن همچنان در تعیین هویت فرهنگی این شهر نقش اول را دارا هستند.

این بناها که از ارزشهای معنوی ملهم هستند در فرآیند جغرافیایی و ترسیم سیمای شهری زواره دخالت عمده‌ای داشته و دارند و در ترکیب و به هم پیوستگی آنان وحدتی خاص و ارتباطی آشکار دیده می‌شود. چشم‌انداز فرهنگی اماکن مرکزی شهر آن‌چنان مشخصند که از هر سو به این شهر نظر بیفکنیم گلدسته مسجد، گنبد امامزاده و نورگیرهای حسینیه پدیدار می‌شوند و مردم هر مجله وقتی بخواهند به نقطه‌ای دیگر بروند به نحوی از این نقاط عبور می‌کنند و تحت تأثیر معنویتشان قرار می‌گیرند.

۱- تیتوس بورکهارت، هنر مقدس، ترجمه جلال ستاری، ص ۱۴۵.

۲- معجم البلدان یا قوت حموی، ذیل آزواره.

صحن مسجد نام «احمد» را یافته است.<sup>(۱)</sup>

استاد محیط طباطبائی دانشمند و ادیب اهل زواره عقیده دارد همین فرد بانی مسجد جامع زواره است. وی می‌افزاید وجود قصادی در دیوان برخی از شعرای عصر سلجوقی به نام وی معرف شخصیت اجتماعی و سیاسی اوست.<sup>(۲)</sup>

قرائن تاریخی و نظرات پژوهشگران ایرانی و خارجی مؤید این ادعاست که این مکان مقدس به لحاظ قدمت تاریخی و سبک ساخت و واحد بودن بنا اولین مسجد چهار ایوانی در ایران به شمار می‌رود، آندره گدار ضمن اشاره به این موضوع می‌افزاید: مسجد جامع اردستان به تقلید از جامع شهر همسایه (زواره) در سالهای ۵۵۳ تا ۵۵۵ ه. ق به صورت مسجد چهار ایوانه درآمد.<sup>(۳)</sup>

در کتابی که توسط دو محقق اروپایی - درک هیل و اولگ گرابر - به رشته تحریر درآمده، می‌خوانیم: «مسجد جامع زواره قدیمی‌ترین مسجد شناخته شده چهار ایوانی است.»<sup>(۴)</sup> پژوهندگان دانشگاه کمبریج از میان نمونه‌های متعدد مساجد عصر سلجوقی به لحاظ ارزشهای هنری مسجد جامع زواره را معرفی کرده و نوشته‌اند:

«... در اصفهان، اردستان، گلپایگان، بَرسیان و زواره مساجد تازه‌ای بر آوردند که همه آنها به قدر کافی دارای ویژگیهای مشترکی در سبک و نقشه می‌باشند و از این حیث وضوحاً مکتب معماری همانندی را تشکیل می‌دهند. تردیدی نیست که شاهکار این مکتب مسجد اصفهان است. اما این مسجد نیز به واسطه حضور بقایای سابق و تاریخ متأخر بسیار پیچیده آن دارای شماری از ویژگیهای داخلی مختص خود است. در نتیجه این مسجد آنقدر که برای توضیح ارزشهای فنی و زیبایی شناختی عالیتر سبک سودمند است، برای روشن ساختن سیماهای نمونه‌وار مفید فایده عاجل نیست. نمونه‌وارتر از آن مسجد زواره است که در سال ۵۳۰ ه. ق / ۱۱۳۶ م بنا گردید... در مسجد زواره تمامی بنا به صورت یک واحد

در نظر گرفته شده، در صورتی که در تعدادی از نمونه‌های دیگر چنین می‌نماید که گنبد جداگانه ساخته شده...<sup>(۵)</sup>

### ● مایه سرافرازی

مسجد جامع زواره از گذشته جایگاه سجود و خضوع بندگان خدا در مقابل پروردگار یکتا بود. علاوه بر آن تداعی بخش زمانی است که کانونی جهت تشکیل درس و تدریس علوم دینی، آموزش قرآن و حدیث، مرکز وعظ و ارشاد، و محل اجتماع مردم علیه حکام جور و نیز محل زیارت مؤمنین و آگاهی یافتن از حال یکدیگر و استواری پیوندها و محبت و الفت دلها و نیز جایگاه مهمی برای امر به معروف و نهی از منکر و کنترل و اصلاح اخلاق و رفتار و اعمال مردم به شمار می‌رفته است.

گرچه بانی این مسجد فرد خاصی بوده ولی تمامی طبقات مردم بر حسب توانایی و استعداد خویش در پدید آوردن آن با این شخص خیر همکاری داشته و در واقع عشق و ایمان آنان و شور و هیجان معنوی سبب شد تا چنین معماری باشکوهی پدید آید و هنرمندان محلی با بکار بردن خلاقیت و ابتکار خود رونق و شکوه مسجد را بالا ببرند و بخش کوچکی از زیباییهای هستی را که جلوه‌ای از عظمت خداست با آجرکاری جالب، گچ‌بریها و طاق و قوسها در حد توان به نمایش گذارند.

معماری متنوع برحاسته از باورهای دینی و علائق فطری، بانگ مؤذن و صدای پرکشش قرآن و جملات دل‌نشین و ناصحانه واعظ و خطیب، جاذبه‌ای وصف‌ناپذیر در حاضرین

۱- آثار ایران، آندره گدار، بدا گدار، ماکسیم سیرو و دیگران، ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم، ج ۳، ص ۱۲۵.

۲- استاد سید محمد محیط طباطبایی، مقدمه دیوان مجمر.

۳- آثار ایران، همان جلد، ص ۱۲۱.

۴- معماری و تزئینات اسلامی، درک هیل، اولگ گرابر، ترجمه مهرداد وحدتی دانشمند، ص ۸۲.

۵- تاریخ ایران (کمبریج)، همان مجلد، ص ۵۹۴-۵۹۵.

مجلس پدید می‌آورد.

این مسجد بر حسب قرینه‌های تاریخی، به زواره در عصر خود موقعیت شهری داده و اساساً ویژگیهای تاریخ شهرنشینی در ایران دوره اسلامی و استقلال آن مدیون مسجد جامع بوده است.<sup>(۱)</sup>

استاد محیط طباطبایی این مسجد را گواه قدمت زواره می‌داند.<sup>(۲)</sup> دکتر عباس زمانی مورخ و استاد دانشگاه از مشخصات معماری این بنا سخن گفته و آن را سرمشق مساجد چهار ایوانی دیگر دانسته است.<sup>(۳)</sup>

در هر حال بنیان این مسجد و مسجد بنکویه (بنا شده در عصر سلجوقیان) سرآغازی از تاریخ درخشان این شهر است و هر آجرش شاهد نیایش انسانی وارسته و عابدی به حق پیوسته و نوای فرحزای الله اکبر مؤذن می‌باشد.

بنابراین فضای کالبدی مسجد، یکپارچه قداست و معنویت آن در گرو ارتباط عبد با معبود است نه چیز دیگر. این مکان مذهبی در طول اعصار و قرون از تندبادهای حوادث و هجوم طوفانهای کویری خود را مصون نگاه داشته و تیغه آفتاب سوزان کویری را بر خود هموار کرده و در برابر ریزش بارانهای رگباری و سیلابهای ناشی از آن تاب آورده است. هجوم قبایل وحشی و تجاوز حکام ستمگر همچون مغولها که این شهر را مورد تاخت و تاز قرار دادند نتوانسته‌اند بر آن آسیبی وارد کنند. اما بیم آن می‌رود بر اثر بی‌توجهی برخی و عدم مراقبت صحیح و غفلتهایی که شاهد و ناظر آن هستیم صدماتی متوجه این بنایی که مایه فخر معنوی زواره است بشود، هشدار جدی و تذکری برادرانه و دلسوزانه به مسؤولین و دست‌اندرکاران این گونه موارث ارزشمند می‌باشد، انتظار می‌رود در صیانت از اماکنی این گونه تلاش افزونتری صورت پذیرد و البته تذکار این مطلب به معنای انکار کوششهای سازمان میراث فرهنگی برای استواری این بنا نمی‌باشد.

این جایگاه با صلابت معنوی خود به دلیل کارکرد مذهبی و دینی، با تمامی اقشار مردم از گذشته‌های دور رابطه‌ای وسیع و گسترده داشته و دارد. ورودیهای مسجد با آن

ویژگیهای هنری مختص خود با دو بخش شرقی و غربی شهر در ارتباط بوده و به کانونهای مرکزی و دیگر اماکن مذهبی اجتماعی اشراف دارد.

ورودی مسجد توسط سردرهای جلوخانهای طرفین ایوان شمالی مسجد تأمین می‌گردد و طراح نقشه با اینکه می‌توانسته دیوار شمالی مسجد را از عقب ایوان شمالی سوراخ کرده و با ایجاد راهروی در مسیر گذر پشت مسجد ورودی بنا کند، برای حفظ حرمت ایوانها و جهت واردن شدن به صحن مسجد احترام قائل شده توانسته نمازگزاران را با وارد شدن از گوشه صحن مسجد به حیاط در حالت خضوع و خشوع نسبت به ساحت مقدس مجلس نگه دارد.<sup>(۴)</sup>

طاق‌نمای دو طبقه کم عمق محرابی شکل در جرزهای طرفین ورودی مسجد، توجه هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند. ماریا فراتته فرانسوی که از این مسجد بازدید کرده طرح جالبی از سردر رو به غرب مسجد تهیه نموده است که منضم مقاله وی می‌باشد.<sup>(۵)</sup> بعد از ورودیها و در طرفین ایوان شمالی فضایی است که کف آن توسط سنگهای نسبتاً کوچک اما صاف مفروش شده که به رگه‌های آجر مزین است. در اینکه چرا مسجد دو در دارد دلایلی ذکر نموده‌اند از آن جمله اشراف مسجد به محلات شهر و مراکز فعالیتهای اقتصادی - اجتماعی، تفکیک زن و مرد هنگام ورود به مسجد، ورود و خروج افرادی که هنگام داخل شدن به این مکان عذر شرعی دارند، معمولاً میت را پس از انجام غسل و کفن و دفن از در غربی وارد مسجد جامع نموده و بعد از نماز میت او را از در شرقی که رو به قبرستان عمومی شهر است بیرون می‌برند و...

۱- عباس سعیدی رضوانی، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی.

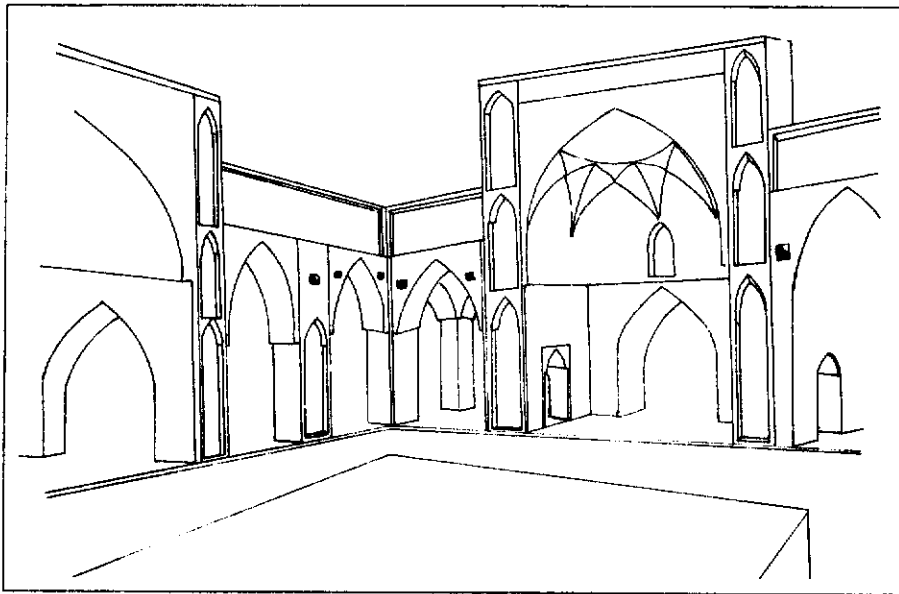
۲- مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال دوم، شماره اول، پاییز و زمستان ۱۳۶۶، مقاله محیط طباطبایی.

۳- نک: عباس زمانی، تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی، تهران، اداره کل نگارش.

۴- ماهنامه دانشگاه انقلاب، سال چهارم، آذرماه ۱۳۶۳، مقاله تاریخچه معماری مساجد در ایران.

۵- نک: نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره دوم و سوم سال ۱۳۴۵ مقاله مسجد جامع اردستان و زواره از ماریا فراتته.

● نماهای نمادین



این مسجد که در مرکز نقل شهر واقع شده از زمینهای اطراف خود بیش از نیم متر ارتفاع گرفته و مساحت آن قریب به ۱۲۰۰ متر مربع می باشد. مصالح آن غالباً آجر، خاک و گچ است و در لابلای ساختمان برای خشی سازی امواج زلزله قطعاتی از چوب درخت و گردو و توت که در روغنهای گیاهی جوشانیده اند، بکار برده اند تا از گزند موربانه مصون باشد.

دیوار وجود، از ملکوت و غیب حکایت دارد و آنگاه عابدی با بصیرت این آیه را که از زبان حضرت ابراهیم (ع) در قرآن آمده زیر لب زمزمه می کند:

أَتَى وَجْهْتُ وَجْهِيَ لِلذَّيِّ فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ. (۳)

و در واقع با زبان دل اعتراف می کند که خورشید و ستارگان فروغ خود را از پروردگار می گیرند و به خودی خود وجودی ندارد:

ای همه معدوم تو اصل وجود  
وی همه محتاج و تویی عین وجود (۴)

قرار گرفتن ایوانها در چهار جهت اصلی از یک دیدگاه حکایت از مسیر گردش زمین به دور خورشید و پیدایش چهار فصل دارد و این موضوع وجود یکی از آیات مهم الهی را برای بینندگان یادآور می شود. این فضاها به همراه آفتاب و سایه آنها و جابجایی نور و ظلمت ضمن اینکه گذر زمان و سپری شدن عمر را گوشزد می کند می خواهد این آیه را در

در بند آجرهای ساختمان حفره های کوچک و مشبکی دیده می شود که از انعکاس صوت (پژواک) می کاهد. هر چهار ایوان مسجد از نظر ابعاد و ارتفاع و نوع معماری با یکدیگر متفاوتند. ساخت آنها به گونه ای است که خصوصاً وقتی انسان هنگام شب در صحن مسجد بایستد و متوجه این فضا بشود نگاهش به سوی آسمان ادامه می یابد و متوجه اسرار هستی شده و از طریق این سیر آفاقی حالتی معنوی توأم با تفکر و تدبیر در او پدید می آید و چنین حالتی مأخوذ و ملهم از این آیه قرآن است:

سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ. (۱)

نمازگزار ضمن اینکه در حال رکوع و سجود، ذکر و نیایش خدا را یاد می کند با نظر افکندن به این فضاها متوجه آسمان و ستارگان شده و در این مخلوقات الهی اندیشه می نماید؛ چنانکه در قرآن آمده است:

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ. (۲)

و وقتی این شگفتیهای اسرارآمیز را مشاهده نمود به این حقیقت رهنمون می شود که این همه نقش هستی بر در و

۱-سوره فصلت، آیه ۵۳.

۲-سوره آل عمران، آیه ۱۹۱.

۳-سوره انعام، آیه ۷۹.

۴-شعر از ملا محمدباقر نائینی متخلص به صفاست (نک تذکره نصرآبادی،

ص ۱۹۸).



ذهن تداعی کند:

وَلْتَن سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لِيَقُولَنَّ اللَّهُ. (۱)

در پیشانی جرزهای طرفین ایوانها به تناسب عرض و ارتفاعشان طاق‌نمای کم عمق محرابی شکل به صورت سه طبقه بر روی هم و به صورت قرینه قرار گرفته‌اند. حاشیه‌ای با آجرکاری برجسته قوس ایوانها بالا و نیز طاق‌نماهای جرزها را دوره زده و گویی ایوان را به طرز جالب و شیوه‌ای هنرمندانه قاب می‌گیرد.

وجود این فضاهای محرابی شکل در طرفین هر کدام از ایوانها بیانگر حقیقتی است و آن اینکه آنچه در زمین و آسمانها می‌باشد خداوند را سجده می‌کنند و محرابها نمادی از سجده و خشوع هستند.

قرآن می‌فرماید: اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يَسْجُدُ لَهٗ مِنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمِنْ فِي الْاَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ. (۲)

با تذکار این واقعیت، ضمن توجه دادن ناظران به تسبیح موجودات، نتیجه‌ای را متوجه ذهن با بصیرت آنها می‌کند که این مخلوقات اولاً از خود بدون وجود حق چیزی ندارند که عرضه کنند. ثانیاً به تسبیح و تنزیه خداوند مشغولند و ثالثاً ابهت و عظمت ظاهری آنان موجب نشود که از عبادت و ذکر الهی غافل شوند، بلکه به چنین فضاهایی تنها به عنوان آیه و نشانه‌ای نگریسته شود نه بیشتر و البته انکار آنها گناهی است نابخشودنی.

ایوانهای چهارگانه مسجد چون در جهات گوناگون واقع‌اند باموقعیت مکانی خود می‌خواهند این موضوع را مطرح کنند که انسان به هر سو نظر افکند آنجا وجه الله است. قرآن کریم در تذکر این حقیقت مسلم الهام بخش است که می‌فرماید:

وَلِلّٰهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَاِيْمًا تَوَلَّوْا فِئْتُمْ وَجِهَ اللّٰهِ. (۳)

ایوان جانب قبله مرتفع‌ترین و عریض‌ترین ایوانها به‌شمار می‌آید که با قاب پر هیبت خود گنبد شبستان مسجد را در پشت خود مخفی کرده و مانع از آن است تا گنبد شکوه

خود را برای ناظر واقع در صحن جلوه‌گر سازد. اما ناگفته نماند که گنبد این مسجد یکی از بناهایی است که در سیمای عمومی شهر کاملاً مشخص بوده نمودی روشن دارد.

پهنای این ایوان با احتساب جرزهای طرفین که هر کدام قطری برابر دو متر دارند، به یازده متر و نیم می‌رسد. عمق ایوان بدون احتساب دیواره حدفاصل آن و شبستان ۴/۵ متر است. در کمر ایوان گچ‌بری رنگ‌آمیزی شده به اشکال ستاره و خورشید دیده می‌شود که شاید اشاره‌ای به این آیه از قرآن دارند:

وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مَسْجُرَاتٍ بِأَمْرِ آلَهِ الْخَلْقِ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ. (۴)

در طرف راست مدخل ایوان - رو به قبله - بر قطعه‌ای از گچ با خط ثلث برجسته عبارات زیر به چشم می‌خورد:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ وَبِهٖ نَسْتَعِیْنُ وَبَعْدَ تَارِیْخِ سَاخْتِنِ مَسْجِدِ جَامِعِ مَدِیْنَةِ السَّادَاتِ زَوَارَهٗ فِی سَنَةِ اَحَدِیْ وَخَمْسِیْنِ وَخَمْسَ مِائَةٍ مِنَ الْهَجْرَةِ النَّبَوِیَّةِ.

ایوان شمالی گرچه از ایوان رو به قبله کوچکتر است ولی از دو ایوان شرقی و غربی بزرگتر بوده و از کف مسجد قریب یک متر ارتفاع گرفته و این بخاطر شبستانی است که در زیر آن قرار دارد که ظاهراً در زمان احداث مسجد آن را ساخته‌اند.

در کمر بند این ایوان در حاشیه‌ای نسبتاً عریض کاشی‌های کوچک مشکی و آبی به تناوب و با طرحی جالب دیده می‌شود. در حدفاصل ایوانها فضاهایی دیده می‌شود که توسط ورودیهایی با طاقهای گهواره‌ای و جناغی به صحن مسجد ارتباط می‌یابند. در زیر سقف این بناها گچ‌بریهایی با گل و بوته و طرح اسلیمی وجود دارد که به مرور زمان بخشهایی از آن محو شده است.

صحن مسجد فضایی است که در جهت جنوبی - شمالی هیجده متر طول و در جهت شرقی - غربی ۱۶/۵ متر عرض

۱- سوره عنکبوت، آیه ۶۱.

۲- سوره حج، آیه ۱۸.

۳- سوره بقره، آیه ۱۱۶.

۴- سوره اعراف، آیه ۵۴.

دارد و مساحت آن ۲۹۷ متر می‌باشد. کف آن با آجر و به شکل حصیری مفروش است در مرکز صحن برآمده تخت ماندی وجود دارد که از سطح زمین نیم متر ارتفاع گرفته و ابعاد آن ۶×۶ متر می‌باشد.

مناره مسجد بیرون از آن و در ضلع غربی و طرف راست ورودی شمال غربی مسجد واقع شده که توسط پلکانی مارپیچی از داخل مسجد می‌توان به آن راه یافت. قطر این مناره ۴/۵ متر، اما ارتفاعی برابر ۱۱ متر دارد که مشخص می‌شود بنای آن بیش از مقدار کنونی ارتفاع داشته و بر اثر عوامل اقلیمی فرو ریخته است. البته تعمیراتی ناشیانه بر روی آن انجام شده که این را از پنجره‌های نامنظم بالای آن می‌توان دریافت. محفظه‌ای چوبی بر فراز آن قرار گرفته که در ازمنه گذشته وقتی مؤذن بر بالای مناره می‌رفت در زیر آن قرار می‌گرفت تا از گزند گرمای خشن تابستان و برودت و نزولات جوی زمستان در امان باشد.

### ● تالار و محراب

تالار یا شبستان اصلی مسجد که به رواق هم معروف می‌باشد، در پشت ایوان رو به قبله واقع شده است. رواق فضایی است به ابعاد ۷/۵×۷/۵ متر و مربعی شکل که گنبدی با ارتفاع زیاد به صورت یک پوشه و از نوع ۱۲ ترک بر روی آن استوار می‌باشد.

آجرکاری گنبد به شکلی است که نشان می‌دهد کثرت رو به سوی وحدت دارد و تمامی آجرها به یک آجر در انتها ختم می‌شوند و این هنر جالب بیانگر آن می‌باشد که رجعت همه به طرف خداوند است چنانکه در قرآن و در آیاتی چند بدین نکته اشاره شده و شاید این سبک آجرکاری می‌خواهد چنین حقیقت قرآنی را در اذهان نمازگزاران تداعی نماید که الی الله ترجع الامور،<sup>(۱)</sup> ولله ما فی السموات وما فی الارض والی الله ترجع الامور.<sup>(۲)</sup> له ما فی السموات وما فی الارض الا الی الله تصیر الامور.<sup>(۳)</sup>

وجود دوازده ترک در بنای گنبد اشاره به این موضوع است که راه حق از مسیر اثمه اثنی عشری می‌گذرد و آیین

محمدی چنین سیری دارد.

پیوستگی میان گنبد و فضای مکعب زیر آن بوسیله هشت طاق نما صورت می‌گیرد که هر کدام از آنها به شکلی جالب بین سه تا چهار طاق نمای کم عمق را در خود جای داده‌اند.

گنبد چون آسمان تلقی می‌شود و رواق زمین و این طاق‌نماها حلقه اتصال بین زمین و آسمانند و به تعبیر دیگر تالار یا رواق به مثابه جایی است که بندگان باید توشه آخرت را در آن تدارک ببینند و با عبادت و اعمال صالح خود را برای آن جهان مهیا کنند و طاق‌نماها برزخ دنیا و آخرت است و گنبد به مثابه دنیای دیگر فرض می‌شود.

رسول اکرم (ص) در روایت معراج، گنبد بسیار بزرگی را وصف می‌فرماید که از صدف سفیدی ساخته شده و بر چهار پایه‌ای در چهار کنج قرار گرفته و بر این چهار پایه کلمات بسم الله الرحمن الرحیم از سوره فاتحه الكتاب قرآن مجید را نوشته‌اند. چهار جوی آب و شیر و عسل و شراب ظهور که مظهر سعادت ابدی و سرمدی است از آن جاری می‌باشد.

این تمثیل قدسی جلوه صورت و معنای روحانی برای گنبد است که با رمز محراب پیوند می‌خورد. اگر گنبد بنای مقدس و مظهر روح کلی یا عرش اعظم است، طاق نماهای هشت تایی که زیر آن قرار گرفته‌اند رمز هشت فرشته حاملان عرشند که خود با هشت جهت مطابقت دارند. بخش مکعبی شکل بنا مظهر جهان است که چهار رکن آن در چهار کنج بنا به عنوان اصول و مبادی در عین حال معنوی و جسمانی، عناصر عالم به‌شمار می‌آیند.

کل بنا بیانگر تعادل و وحدتی است که احدیت الهی را در نظام جهان انعکاس می‌دهد. با این وجود احدیت در هر رتبه که مورد نظر قرار گیرد همواره احدیت است، از این رو شکل منظم بنا را می‌توان جلوه‌ای از الوهیت نیز دانست، در این صورت طاق‌نماهای متعدد را می‌توان

۱- سوره اعراف، آیه ۵۴

۲- سوره بقره، آیه ۲۱۰

۳- سوره شوری، آیه ۵۳



شده، چنین معنویت و روحانیتی فضای مسجد را ملوکوتی کرده و برای انسان مؤمن دارای لطافت روحی، درک چنین پدیده‌ای لذت بخش است.

رواق با آن فضای نسبتاً بسته‌ای که دارد فرد را به سکون و آرامش دعوت کرده و از یک واقعیت صرفاً کمی به حقیقتی کیفی مبدل می‌شود و به عنوان مرتبه‌ای از وجود و نشانه‌ای از کمال قابل درک است و اجمالاً اینکه آجرکاری گنبد و رواق نه تنها مانع و ناقض عبادت و روحانیت نمی‌باشد که در بوجود آوردن حالات معنوی دخالت مهمی دارد.<sup>(۳)</sup>

محراب بخش فرو رفته و قوسی است که به سوی خانه کعبه قرار گرفته و علاوه بر جنبه‌های هنری آن، خاصیت فیزیکی هم دارد. بدین مفهوم که صوت امام جماعت یا جمعه را بر حسب خصوصیت پژواک (انعکاس صوت) در بین مأمومین منتشر می‌نماید. در گذشته مقابل محراب چراغ یا مشعلی می‌آویختند تا محراب تداعی بخش این آیه از قرآن باشد:

اللّٰهُ نُورِ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ مِثْلُ نُوْرٍ كَمِشْكُوْتٍ فِیْهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِیْ زَجَاجٍ الزَّجَاجُ كَانِهَا كَوْكَبٌ دُرِّ یُوْقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مَّبَارَكَةٍ زَيْتُوْنَةٍ لَا شَرْقِیَّةٍ وَلَا غَرْبِیَّةٍ یَكَادُ زَیْتُهَا یَضِیْءُ وَّلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّوْرٌ عَلٰی نُوْرِ یَهْدِی اللّٰهُ لِنُوْرِهِ مَنْ یَّشَآءُ وَ یَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمٌ.<sup>(۴)</sup>

در واقع محراب نمادی است از جلال خداوند و چراغ یعنی نور او. تیتوس بورکهارت می‌گوید:

در واقع محراب به علت انعکاس کلام خداوند در نماز رمز حضور پروردگار محسوب می‌شود و به همین جهت رمزگری قنديل یا مشكورة و مصباح منحصرأ فرعی و یا به عبارتی دیگر عبادی است.

مظهر صفات الهی تصور کرد.<sup>(۱)</sup>

تیتوس بورکهارت در مورد نقش نمادی گنبد و رواق مربعی شکل می‌گوید:

روح کلی که پیش از دیگر مخلوقات آفریده شده عرش الهی نیز هست که عرش المحيط است و اما رمز این عرش فضایی عینی است که ماورای آسمان شوابت و سیارات امتداد دارد و از منظر زمین که دیدگاه طبیعی نوع بشر است و رمزگری آن بی‌واسطه‌تر، کواکب در افلاک متحد مرکزی می‌چرخند که فاصله آنها تا زمین متفاوت است؛ یعنی بعضی نزدیک‌تر و بعضی دورتر. و آن افلاک هم در فضایی نامحدود و بی‌کران محاط‌اند که به نوبه خود در روح کلی که مکان ما بعدالطبیعی هرگونه ادراک یا شناخت محسوب است، می‌گنجد...<sup>(۲)</sup>

با عنایت به آن مسایل ماورایی که در این بنا بدان توجه

۱- نک: دیترش هوف، گنبد در معماری اسلامی، ترجمه کرامت الله افسر، ص ۲۷ و نیز بنگرید به کتاب تجلی حکمت معنوی در هنر اسلامی، محمد مددپور، ص ۲۶۹ - ۲۷۰.

۲- هنر مقدس (اصول و روشها)، ص ۱۴۷.

۳- هنردینی (نظریه بورکهارت)، ج ۲، ص ۱۶.

۴- سوره نور، آیه ۳۵.

مطرح شد و در لابلای کلمات و حروف نقش گل و برگ و گیاه جا گرفت. از دیگر سو میل به تنوع بخشیدن خط کوفی همچنان ادامه یافت که خطاطان چیره دست با وارد کردن اشکال هندسی در قالب این خط بنیان کوفی بنایی شدند. شیوه تازه در کتیبه‌های مساجد چونان معمایی سراسر رمز و راز اعتبار تزئینات این بناها را مضاعف نمود.

گام بعدی در تحول خط کوفی از آن خطاطانی است که کار تزئین خانه خدا را با مدد از خط کوفی به عنوان زمینه اصلی تزئین برگزیدند. خطی که تجربه و پختگی و زیبایی‌اش مدیون کتابت قرآن است، این بار بر قامت بلند و پر راز و شکن الفبای کوفی به پیشانی ایوانهای مساجد راه یافت و در چهارچوب صحن و رواق و محرابها بیشترین نقش تزئینات را به خود اختصاص داد. به دلیل چنین دگرگونی است که از آن پس خط کوفی در ابعادی چشمگیر با تزئینی مفصل و تحریری پیچیده پا به عرصه هنر تزئینی اسلامی می‌نهد. تحولی نه آسان، و هنری نه تنها بیانگر ذوق و مهارت که آغازی در گشودن دریچه تازه‌ای به معنویت و اخلاص و ایمان. الفبای کوفی بر پیشانی صحن مسجد و ایوانها و رواقها هر نظر و چشمی را به سوی خود کشیده افراد به اشتیاق خواندن، زبانها را به تحسین و دلها را به نیاز و طلب واداشته‌اند.<sup>(۲)</sup>

هنرمند سوئسی - بوکهارت - گفته است:

تکرار کتیبه‌های مأخوذ از آیات قرآن کریم بر روی دیوارهای مساجد و سایر ابنیه انسان را یادآور این حقیقت می‌سازد که تار و پود حیات اسلامی از آیات قرآنی تنیده شده و از لحاظ معنوی متکی بر قرائت قرآن و نیز نماز و اوراد و اذکاری است که از آن کتاب آسمانی اخذ شده است. اگر بتوانیم فیض را که از قرآن کریم سرچشمه می‌گیرد یک ارتعاش معنوی بخوانیم از

اعجاز اسلام همان کلام خداست که بی‌واسطه در قرآن تجلی یافته و تلاوت آن در نماز و مناسک موجب می‌شود که فعلیت یابد و این نکته موضع شمایل شکنی اسلام را به درستی روشن می‌کند: کلام خداوند باید به شکل بیان و لفظ باقی بماند و به همین نحو مجرد از ماده باشد. بدین‌گونه قدرت تذکارش به صورت ناب محفوظ می‌ماند، بی‌آنکه معروض سایش و فرسایش گردد که از ماده قابل لمس و مس به طبیعت هنرهای تجسمی و به اشکال آنها که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود راه می‌یابد...<sup>(۱)</sup>

هنرمند مسلمان می‌کوشد جاهای خالی مساحتی را که در آن به کارهای هنر مشغول است با خطوط و نقوش پُر کند و این پدیده در محراب مسجد واضح‌تر است و بدین‌گونه می‌خواهد بر مکان یا ماده غلبه یابد و توجه نمازگزاران را به سوی حالات روحانی سوق دهد.

## ● شط یا شکوه

خط کوفی به انضمام پیچشهای اسلیمی موزون آن که بصورت کتیبه‌هایی در مسجد جلوه گر شده بسیار جان‌نواز است. رونق این خط به آغاز ظهور اسلام در حجاز باز می‌گردد و در اواخر حکومت بنی‌امیه و بنی‌عباس از حوزه حجاز خارج شد. این شیوه هنری تا قرن هفتم و هشتم همچنان متداول بود تا اینکه با پیدایش خطوط ششگانه محقق، ریحان، نسخ، ثلث، توفیق و رقاع از رونق افتاد و از آن به بعد مختصری در کتیبه‌ها و سر سوره‌های قرآن دیده شد.

در ایران با توجه به ذوق و نوآوری هنرمندان مسلمان خط کوفی گذشته از کاربرد مؤثرش در کتابت قرآن به سایر هنرها راه یافت و جایگاهی فراخور شأن و تحسین یافت و عاملی مؤثر و عنصری پربار در تزئین سایر هنرهای ظریفه اسلامی خصوصاً گچ‌بری گردید و این همان زمانی است که تمامی ذوقها و اندیشه‌های هنری در تکاپو بخشیدن به این خط است. به دنبال این نوع آوری و ابتکار، خط کوفی تزئینی

۱- هنر مقدس، ص ۱۴۷.

۲- ک: فصلنامه هنر، شماره ۷، مقاله خط کوفی...

بناهای اصفهان و اطراف آن شباهت کامل دارد. پس از بسمله این آیه زینت بخش کتیبه یاد شده می‌باشد.

أتما يعمر مساجد الله من آمن بالله واليوم الآخر واقام الصلوة  
واتى الزكوة...<sup>(۶)</sup>

بعد از آیه مورد اشاره متن تاریخی آغاز شده که متأسفانه از غالب کلمات، جز قطعات ناقص برجای نمانده است. به همین سبب خواندن آن بسیار مشکل بوده و تنها می‌توان کلمات زیر را در آن بازیافت:

امر ببناء... الفقير الى رحمة الله... احمد... ثلثين و خمس  
مانه.<sup>(۷)</sup>

در کمر بند شبستان اصلی (رواق) و در زیر طاق نماهای آجری بر حاشیه‌ای نسبتاً عریض که با گل و بوته تزیین شده کتیبه‌ای کوفی دیده می‌شود که آیات ذیل را دربر می‌گیرد:

انّ في خلق السموات والارض واختلاف الليل والنهار آيات  
لاولى الالباب الذين يذكرون الله قياماً وقعوداً وعلى جنوبهم  
ويتفكرون في خلق السموات والارض ربّنا ما خلقت هذا باطلاً  
سبحانك فقنا عذاب النار.<sup>(۸)</sup>

البته ترکیب زیبایی این کتیبه بسیار آسیب دیده و پس از آن متضمن متن تاریخی بوده که از قرار معلوم سال تاریخ بنا را دربر داشته است؛ ولی اکنون چیزی مفهوم نمی‌گردد.<sup>(۹)</sup>

محراب که در وضعیتی عالی حفظ شده کتیبه‌ای است به خط کوفی به همراه دو کتیبه دیگر به خط نسخ. قسمت بالای کتیبه خارجی شامل آیه زیر است:

انّ ربّكم الله الَّذي خلق السموات والارض في ستة ايام ثم  
استوى على العرش يغشى الليل النهار يطلبه حينئذ والشمس

آنجا که این نفوذ قرآنی هم معنوی و هم مسموع است باید بگوییم تمام هنر اسلامی باید بالضروره اثر این ارتعاش را داشته باشد.<sup>(۱)</sup>

در پاره‌ای از منابع روایی آمده است که دور تا دور خانه و نیز در طرف قبله سجده‌گاه حضرت امام صادق (ع) آیه الکرسی نوشته شده بود.<sup>(۲)</sup> و چنین کاری یعنی نوشتن آیه الکرسی بر بدنه‌های بناهای بیش از هشت ذراع به عنوان توصیه‌ای موکد از سوی ائمه به مارسیده است و معنای آن این است که قدرت خدا را در نظر داشته و فریفته بناهای با ارتفاع زیاد نشویم.<sup>(۳)</sup> کتیبه‌های حاشیه سراسر دیوار درونی و یا رواق و دور محراب، هم به جهت معنی و هم به لحاظ وزن و شکل مذهبی‌شان برای مؤمن یادآور شط با شکوه و قدرتمند کلام قرآنی است و به قول بورکهارت:

جلوة شکل پذیر و حجم آفرین این کلام الهی بر سراسر حیات مسلمان پرتو افکنده و در همه آنات زندگی وی حضور دارد و غنایش از لحاظ بیان و گویایی با امواجی که هر دم تازه و نو می‌شوند و وزنی تقلید ناپذیر، بساطت نامشهود محتوای آن زبان را که همانا احدیت است، تعدیل می‌کند.<sup>(۴)</sup>

وی در جای دیگر گفته است: هنر اسلامی نیز نه از معنا یا شکل ظاهری قرآن بلکه از حقیقت و جوهر بی‌شکل آن نشأت می‌گیرد.<sup>(۵)</sup>

در مسجد جامع زواره چندین کتیبه شکوه هنری و جلوه‌های معماری این بنا را افزون نموده است.

کتیبه‌ای که در قسمت بالای نمای رو به صحن قرار گرفته و به خط کوفی بسیار ساده نوشته و با آجر تراش ساخته شده است، با کتیبه‌های قرون پنجم و ششم موجود در بسیاری از

۱- مطالعاتی در هنر دینی، ج ۲، ص ۲۰.

۲- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۶۷.

۳- جواد محدثی، هنر مکتبی، ص ۲۲۴.

۴- هنر مقدس، ص ۱۴۹.

۵- جوادانگی هنر، ص ۲۵.

۶- سوره توبه، آیه ۱۸.

۷- آثار ایران، ج سوم، ص ۱۲۴.

۸- سوره آل عمران، آیات ۱۹۰-۱۹۱.

۹- گنجینه آثار تاریخی اصفهان، لطف الله هنر فر، ج سوم، ص ۱۲۴.

والقمر والنجوم مسخرات بامرہ الاله الخلق والامر تبارک اللہ رب العالمین.<sup>(۱)</sup>

در یکی از دو کتیبه‌ای که به خط نسخ است، همان آیه‌ای که در کتیبه صحن آمده یعنی آیه ۱۸ از سوره توبه تکرار شده است و کتیبه سوم همان آیاتی را که کتیبه نواری شکل گرد گنبد را با آن آذین کرده‌اند عرضه می‌دارد.

دکتر لطف الله هنر فر عقیده دارد در حاشیه دیگری از محراب آیات ذیل قابل مشاهده است که خط آن کوفی می‌باشد:

أقم الصلوة لدلوك الشمس الى غسق الليل وقران الفجر. ان قران الفجر كان مشهوداً ومن الليل فتهجد به نافلة لك عسى ان يبعثك ربك مقاماً محموداً.<sup>(۲)</sup>

گنج بریهای لانه زنبوری همراه با نقوشی از گلها و گیاهان و برگها بر زیبایی کتیبه‌های محراب افزوده است.

خط کتیبه کوفی محراب و گنبد به قدری با هم شباهت دارند که باید هر دو را متعلق به یک زمان دانست.

از نوشته‌های تاریخی کتیبه مسجد بر می‌آید که مسجد جامع زواره را در سال ۵۳۰ ه. ق به پایان برده‌اند و پس از این

تاریخ با محرابی زیباتر و پرکارتر از محراب اولیه و نیز کتیبه‌ای پر شکوه آذین کرده‌اند و یا این بخش از تزیینات

مسجد که در سال ۵۳۰ ه. ق وجود نداشته و یا ناتمام بوده در سال ۵۵۱ ه. ق به انجام رسیده است.<sup>(۳)</sup>

### ● نسخه‌های نفیس

شریف‌ترین هنر بصری در دنیای اسلام خوشنویسی به‌شمار می‌آید و کتابت قرآن هنر مقدس علی‌الاطلاق محسوب می‌شود. گویند خطاطی از ادريس نبی است و از زمره ملائکه فرشتگانی هستند که با خدمت در تحریر اعمال عباد و افعال عبّاد با وصف لطیف و کلام متین و انّ علیکم لحافظین کراماً کاتبین<sup>(۴)</sup> ستوده شده‌اند.

خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم به نصّ شریف می‌فرماید «وکتبنا له فی اللوح»<sup>(۵)</sup> گذشته از آن با کلام لطیف «کتب اللّٰه لاغلبن انا ورسلی»<sup>(۶)</sup> ذات مقدس خویش را معرفی

فرموده و با آیه کریمه «ن والقلم وما یسطرون»<sup>(۷)</sup> سوگندی با حرمت یاد فرموده است. حضرت محمد(ص) دانش و هنر خط را نیمی از علم دانسته<sup>(۸)</sup> و امام جعفر صادق(ع) فرموده‌اند: «گریه‌ای نیکوتر از تبسم قلم ندیدم».<sup>(۹)</sup>

گروهی از یاران و اصحاب رسول اکرم(ص) به خط کوفی وحی الهی را کتابت نموده که بیش از همه آنان حضرت علی(ع) در حُسن خط کوششی داشت و در قلم کوفی به رتبه اعجاز رسید و در سایر علوم و کمالات و فضایل لدنیه معالی درجات نیز سرآمد اولیا و سرافراز ائمه هدی بود. حضرت امام حسن(ع) و حضرت امام حسین(ع) نیز در خطاطی و نوشتن با اسلوبی خوش و زیبا درجاتی عالی داشته‌اند.<sup>(۱۰)</sup>

با چنین وصفی نوشتن قرآن به شیوه‌ای ارزشمند همواره نهایت تلاش یک خوشنویس است و او سعی می‌کرد ضمن کسب مهارت در این رشته و تمرین زیاد خط و استفاده از محضر اساتید این فن درون خویش را صفا دهد و باطن را پاک نماید. زیرا بر این باور بود که تنها پاکان می‌توانند به چنین

۱- سوره اعراف، آیه ۵۳

۲- سوره اسری، آیات ۷۸-۷۹.

۳- آثار ایران، همان جلد، ص ۱۲۷.

۴- سوره انفطار، آیات ۱۰-۱۱.

۵- سوره اعراف، قسمتی از آیه ۱۴۵.

۶- سوره مجادله، آیه ۲۰.

۷- سوره قلم، آیه اول.

۸- الخط نصف العلم.

۹- لم از باکیا احسن تبسماً من القلم.

۱۰- مصطفی عالی افندی، مناقب هنروران، ترجمه دکتر توفیق ه. سبحانی،

برکات معنوی و داخل شدن در صواب و رسیدن به ثواب به تحریر نسخه‌هایی از قرآن مبادرت نمودند.

مقارن تکوین و تشکیل دولت صفوی، شیعیان زواره وقتی به آرامشی نسبی دست یافتند، در رشته‌های متنوع علمی و فرهنگی و هنری مفاخری را تحویل جامعه اسلامی دادند.

این افراد قبل از روی کار آمدن شاه اسماعیل صفوی (فوت ۹۳۰ ه.ق) در شرایط سختی به سر می‌بردند، غیاث الدین جمشید زواره‌ای که برای مردم با استفاده از روایات و فرهنگ اهل بیت (ع) تفسیر می‌گفت از زمره نامداران زواره است که پیش از تشکیل دولت مزبور به شدت در محاق ستم به سر می‌برده و مخالفین و معاندین تنگناهایی را برایش فراهم می‌نمودند.

فخرالدین علی بن حسن زواری که تربیت یافته مکتب این مفسر است و صاحب تفسیر معروف ترجمه الخواص می‌باشد در مقدمه کتاب «لوامع الانوار فی معرفة الاطهار» که ملخصی از کتاب «احسن الکبار فی مناقب الائمة الاطهار» تألیف محمد بن ابی زید ورامینی است از استاد خود ذکری به میان آورده و از ستمهایی که قبل از ظهور شاه اسماعیل بر وی روا گشته سخن به میان آورده است.<sup>(۳)</sup>

در همان زمانی که شرایط سیاسی اجتماعی مساعد گردید و تنگناها رفع شد و علی بن حسن زواری مشغول نوشتن تفسیر خود گشت، عده قابل توجهی از هنرمندان این شهر که در خطاطی و خوشنویسی مهارت داشتند به کتابت قرآن روی آوردند و مجموعه‌های ارزنده‌ای را تحریر نموده و برای استفاده عموم مردم وقف مساجد کردند. مسعود بن حیدر حسینی زواری از زمره این کاروان خوشنویس است که علاوه بر نوشتن چندین مجلد قرآن، کتابهای دیگری را که در موضوعات قرآنی و روایی و سایر علوم اسلامی بود تحریر

فیضی نائل آیند: لا یمسه الا المظهورون<sup>(۱)</sup>. و چون بنا به روایتی که فرموده کلام خدا باید با حروف درشتی کتابت شود سعی می‌کردند قرآن را با حروف بزرگ تحریر نمایند و در بیشتر قرآنها این حکم را رعایت کرده‌اند، هر چند نسخه‌هایی بسیار خرد (مینیا توری) هم وجود دارد، برخی از نسخه‌های قرآن بر کاغذ رنگی نوشته می‌شد.<sup>(۲)</sup>

این گونه تشویق و ترغیب در نوشتن و اهمیت فراوان چنین هنری خوش نویسان را به هیجان بیشتری وامی‌داشت که ارمغان چنین شعفی خلق آثاری بسیار ثمین است که از نقایس و گنجینه‌های گرانبها به شمار می‌روند. البته نباید اهتمام و تحمل سختی‌ها و محرومیت کشیدن این قشر از هنرمندان را فراموش کرد.

با توجه به ایمان و عشق و ارادت خطاطان مسلمان ایرانی به کتابت کلام خدا، کشور ایران از معدود سرزمینهای مسلمان است که در آن می‌توان نفیس‌ترین نسخ خطی قرآن را جستجو کرد. یک آمار و جمع‌بندی کلی حکایت از آن دارد که در کتابخانه‌ها و مراکز فرهنگی این کشور بیش از ده هزار نسخه قرآن خطی یا خطوط کوفی ثلث، نسخ، محقق، ریحان و نستعلیق اعم از ساده و تذهیب وجود دارد که بسیاری از این نسخ به دلیل زیبایی خط و تذهیب و ترصیع و جلدسازی در عالم هنر اسلامی بی‌مانند است. غنی‌ترین نسخ خطی قرآن را باید در کتابخانه آستان قدس رضوی جستجو نمود و سایر نسخه‌ها را در موزه‌ها و مجموعه‌های هنر فرهنگی خصوصی می‌توان شاهد و ناظر بود.

در قرن دهم و یازدهم هجری که مقارن با روی کار آمدن دولت صفویه است، هنر خوشنویسی در ایران بَدْرِ جمال و اوج کمال را طی می‌نمود و صدها نفر هنرمند در این رشته ذوق و استعداد خود را بروز دادند و برای محظوظ شدن از

۱-سوره واقعه، آیه ۷۸.

۲- آن ماری شیمیل، خوشنویسی و فرهنگ اسلامی، ترجمه دکتر اسدالله آزاد، ص ۳۲.

۳- غلامرضا گل‌زواره، مفسری گمنام و تفسیر او، آینه پژوهش، شماره ۲۳.

نمود. وی کتابت کتزالعرفان فی فقه القرآن فاضل مقدار سیوری حلی را با خط زیبای نسخ در رمضان سال ۹۷۹ ه. ق نگاشت که نسخه‌ای از آن در کتابخانه حضرت آیه الله العظمی مرعشی نجفی نگاهداری می‌شود.<sup>(۱)</sup>

در مسجد جامع زواره مجموعه‌های جالبی از قرآنها نیم جزء نگاهداری می‌شود که در میان آنها قرآن شصت پاره‌ای قابل مشاهده است که از ارزش هنری بسیار والایی برخوردار می‌باشد. قرآن مورد اشاره در شصت مجلد به رشته تحریر درآمده که هر جلد یک نیم جزء قرآن را دربر می‌گیرد. خط آن درشت بوده و در کاغذهایی به اندازه ۳۰ × ۲۰ نوشته شده و هر کدام با جلدهای چرمی (رنگهای گوناگون) صحافی شده است. سر سوره‌ها به طور جالب و شیوایی تذهیب شده است. از ظاهر نیم جزء‌های متعدد آن برمی‌آید که به دلایلی موربانه بر این نیز رسوخ یافته صدماتی به آن وارد نموده است که توسط صحافی ماهر قسمتهای سوراخ شده بازسازی گردیده و خوشنویس، کلمات محو شده را دوباره نویسی نموده است. خطاط این مجموعه با ارزش نام خود را مشخص نکرده و شاید مُحَرَّر آن همان واقف است که در اول هر کدام از شصت جلد متن وقف نامه را آورده است.

متن وقف نامه که مربوط به سال ۱۱۰۴ ه. ق است به شرح ذیل می‌باشد:

مجموعه دیگری از قرآن شصت پاره با خط نسخ بسیار زیبا و در قطع رقعی در مسجد جامع زواره وجود دارد که توسط باقر بن علی بن باقر در قرن دوازدهم هجری (سال ۱۲۰۰ ه. ق) تحریر شده و پس از نوشتن و صحافی و تجلید این مجموعه را به مسجد جامع وقف کرده است.

در سال ۱۲۹۵ ه. ق توسط شخصی به نام میرزا سلیمان طباطبایی فرزند سید محمد طباطبایی شصت نیم جزء قرآن با خوشنویسی فردی گمنام وقف مسجد جامع زواره گردیده است. وی در وقف نامه موارد را در نظر داشته است و آن اینکه قرآن شصت پاره مزبور برای تلاوت و قرائت شیعیان اختصاص یافته و افراد اجازه دارند برای ایام عزاداری بستگان خود سه روز بیرون برده بعد از آن به خادم مسجد تحویل

دهند. همچنین خادم را ملزم نموده که از این کلام الله محافظت کند و در صورت نبودن وی چنین وظیفه‌ای را به دوش امام جماعت شیعه اثنی عشری محول نموده و می‌افزاید افراد مذکور باید نسل اندر نسل ضمن این مراقبت اگر جزء‌های مذکور دچار نقصی شدند در صحافی و ترمیم آنها اهتمام ورزند.

این مجموعه‌های ارزشمند در طی قرون و اعصار متمادی در مسجد جامع زواره مورداستفاده قاریان قرآن بوده و در جلسات قرائت قرآن مجید از آنها بهره‌مند بوده‌اند و در شب‌های احیا آنان را بر سر می‌گذارند.

#### ● ابراز تأسف

همه ما مسلمانان نیک می‌دانیم که قرآن عزت بخش پیروان خود بوده و برای پیمودن طریق کمال باید به این عروة الوثقی الهی دست یازید و ضمن تلاوت آن به دستورات و احکامش عمل نمود، تا به صراط سلامت و پناهگاه امن برسیم. اما به موازات چنین برنامه‌ای ما موظفیم آثار قرآنی و مخطوطات و هر آنچه که در ارتباط با قرآن است حرمت نهمیم و در حفظ و حراست گنجینه‌های هنری این کلام الهی بذل مساعی بنماییم.

مردم شهری که آواز قاریان قرآن در کوی برزن آن پیچیده و به طور سنتی از طریق جلسان قرآن با این معجزه حضرت رسول اکرم (ص) و برهان رسالتش انس داشته و برای حفظ ارزشهای قرآنی بیش از صد شهید تقدیم اسلام نموده است، باید عنایت بایسته و شایسته‌ای نسبت به حفظ قرآنها خطی

۱. فهرست اسامی و آثار خوشنویسان قرن دهم هجری، فیروز منصوری،



صیغه عقد برایشان جاری شده و به صورت کتبی شرایط واقف در ابتدای هر کدام آمده و نیز به لحاظ آنکه حرمت قرآن داشتن امر لازمی است از مسؤولین اداره اوقاف انتظار می‌رود در این خصوص اقدامی عاجل و تصمیم‌گیری سریع اما حساب شده‌ای به عمل آورند که عجله و شتاب در امور خیر کاملاً پسندیده است و تأخیر و تسامح در این برنامه خدای نکرده خسران و خسارت به دنبال دارد.

همچنین نهاد میراث فرهنگی و دست اندرکاران موارث ارزشهای هنری منطقه نیک می‌دانند این آثار جنبه هنری بسیار والایی داشته و گواه صادق و آشکاری بر شکوفایی هنر خوشنویسی در زواره در قرون گذشته می‌باشد و اوراق زرینی از تاریخ هنری این دیار است و هویت فرهنگی آن را ثابت کرده و بیانگر اهتمام هنرمندان زواره در تحریر قرآن و بهره‌مند شدن از جنبه‌های معنوی آن است. پس بر حسب وظایف خطیری که به عهده دارند لازم است ترتیبی اتخاذ نمایند که این میراث بسیار والا و ارزشمند از این حالت مهجوری بدرآید و به شکل آبرومند و توأم با عزت و ابهت از آنها حراست گردد و در کوتاهترین زمان ممکن برای این منظور تدابیری بیندیشند.

خوشبختانه در مجاورت مسجد جامع زواره فضای نسبتاً مناسبی وجود دارد که می‌توان آن را تبدیل به موزه قرآنی نموده و تمامی آثار مخطوط قرآنی و روایی را که در این مسجد و منازل و جاهای دیگر موجود است در این مکان با استفاده از امکانات جدید و تسهیلات لازم نگاهداری نمود. مسؤولین اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز می‌توانند در احیای چنین کانونی از خود تحرکی توانمند نشان دهند و در رونق آن و نیز افزون نمودن اعتبار فرهنگی منطقه با این اقدام خیرخواهانه و خداپسندانه سهم گردند و شناسنامه عصر شکوفایی هنری و تلاش خادمین قرآنی این دیار را غنی‌تر نمایند. (ان شاء الله الرحمن)

که در مساجد و منازل و دیگر اماکن نگهداری می‌شود داشته باشند.

دست اندرکاران و متولیان مسجد ضمن آنکه به دیگر امور این مرکز عبادی عنایت دارند، نباید از چنین موضوع مهمی غافل باشند و اگر چنین کنند شاید این آیه از قرآن بر آنان صدق کند:

وقال الرسول یا رب ان قومى اتخذوا هذا القرآن مهجوراً.<sup>(۱)</sup>

آنان باید متوجه این واقعیت باشند که هنرمندان زواره با همت و جهدی وافر چنین آثاری را پدید آورده و از خود به یادگار نهاده‌اند و نیاکان ما به رغم محرومیت از امکانات کنونی در جهت نگهداری و حراست از این نوشته‌های ارزشمند بذل مساعی نموده و اگر هم خدشه یا آفت و نقصی متوجه آنها شده بدون هیچ درنگی برای ترمیم و صحافی مجدد و اصلاحات لازم اقدام کرده‌اند و اگر غیر از این بود ما وارث چنین آثاری نبودیم. حال چگونه شده که ما این قرآنها را به صورتی غیر منظم و در جایی آسیب‌پذیر قرار داده و کمتر به فکر حفظ آنان هستیم. آیا چه امر مهمتر از این کار متولیان و دست‌اندرکاران را نسبت به موضوع مورد اشاره غافل نموده است. متولی و خادم مسجد باید بدانند که این قرآنها کلام خدا بوده و واقفان در وقف‌نامه‌هایی که تنظیم کرده و در اول هر نیم جزء آورده‌اند آنان را به مراقبت از این مجموعه‌ها ملزم نموده‌اند و وظیفه شرعی ایجاب می‌کند خلاف توصیه واقف عمل نشود. باید شرایطی پدید آید که این گنجینه گرانبها از وضع اسف‌بار کنونی بیرون آمده و به شکلی شایسته و شیوه‌ای اصولی، در مکانی مناسب آثار مزبور قرار داده شوند و بیش از این اجازه ندهند نسبت به آثار مورد اشاره کوتاهی شود.

از آنجا که قرآنهاى مزبور آثاری وقفی به شمار آمده و